

پیش‌انهای انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر بیانیه گام دوم

سید محمد موسوی *

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

چکیده

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود گذاشت که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند؛ اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به‌دست‌آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. «بیانیه گام دوم انقلاب» تجدید مطعی است خطاب به ملت ایران و بویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمای (ارواح‌نافداه) است، نزدیک خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم

مقدمه

بیانیه گام دوم، آموزه‌ای جامع و کامل دارد. نکته اینجاست که به صورت شفاف آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می‌کند؛ به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌داند. تمدن نوین اسلامی در جمله رهبر انقلاب با این تعبیر آمده است. «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدنسازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید» (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۵ تا ۴۶).

برای اینکه بتوان در مورد بیانیه در مرحله خرد و کلان بحث کرد، باید فضای حاکم بر زمان صدور این بیانیه را توصیف کرد. لازم است فضایی (context) که این بیانیه در آن شکل گرفته است به صورت مقدمه بیان شود؛ چون لازمه فهم این بحث ورود به فضای کلان است. شاید نکته اول، فضای حاکم بر بیانیه بود که همزمان با چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی بود. برجسته‌ترین مسئله ۴۰ سالگی انقلاب بود. برجسته‌بودنش به دلیل اهمیت دوام‌آوردن بزرگ‌ترین انقلاب قرن با وجود دشمنان سرسخت دنیا بود. چهل سالگی انقلاب با همه مباحثی که در مورد عدد چهل در فرهنگ و آیین ما مطرح یا استنباط و استخراج می‌شود، هم در جنبه ایجابی و هم در جنبه سلبی باعث شد مقام معظم رهبری این بیانیه را صادر کنند؛ یعنی بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب با توجه به عدد ۴۰ ایجاب می‌کرد که رهبر انقلاب ورود کند و نهال یا موجودیت ۴۰ ساله‌ای که به هر حال نشان از پختگی و گذشت از دوره جوانی دارد مرور کند که این مسئله ایجابی این بیانیه است.

به لحاظ سلبی از دو یا سه سال قبل از رسیدن ما به ایستگاه ۴۰ سالگی انقلاب با توجه به فضایی که ما با قدرتهای بزرگ بویژه امریکا و غرب داشتیم، اتفاقات بحث هسته‌ای و فضاهاى تحریفی‌ای که درست کرده بودند، قصد داشتند کشور را به سمتی ببرند که بتوانند با تحریم، فشار را در توده‌های مردم زیاد کنند که پشتوانه انقلاب اسلامی هستند که بتوانند آنها را به گلایه و شکایت و بعد به شورش وادار کنند که این هدفهای اصلی تحریم بود. علاوه بر این در سه، چهار سال اخیر انتظار این بود که احتمالاً برای ۴۰ سالگی انقلاب دشمنان انقلاب اسلامی

تلاش خواهند کرد که از ۴۰ سالگی محملی بسازند که بخواهند انقلاب اسلامی را محاکمه، و ناکامی‌های گذشته خود را جبران کنند. نشان دادن راه و افق آینده شاید مهمترین وظیفه ولی فقیه، چه در قانون اساسی و چه در بحث ولایت و امامت است. ولایت فقیه هم از ولایت و امامت شیعی گرفته شده است. رهبری وظیفه دارند هر جا از مسیر اصلی انحرافی صورت گرفته است، تذکر بدهند و درواقع سوگیرهای اصلی را نشان دهند.

مبانی نظری

تکریم و تعظیم ملت ایران

تکریم و تعظیم ملت ایران و حفظ انقلاب منحرف‌نشده اولین نکات خردی است که به چشم می‌خورد. معظم‌له بیاناتی دارند مانند اینکه ملت ایران چه ملتی است و کمتر اتفاق می‌افتد که ملتها انقلاب کنند و از آن کمتر اینکه انقلاب را حفظ کنند. مرحوم دکتر شریعتی می‌گفت انقلاب کردن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است.

توصیف انقلاب اسلامی به‌عنوان نهضت بزرگ دینی

در قسمت خرد بیانیه این است که بیانیه از انقلاب به‌عنوان نهضت بزرگ دینی یاد می‌کند. انقلاب علی‌القاعده پدیده‌ای سیاسی است. ما می‌گوییم انقلاب بزرگ، انقلاب اجتماعی، انقلاب سیاسی. این رشته و تخصص بنده است ولی انقلاب اسلامی را که به قول آقایان علما و فلاسفه بالذات یک پدیده سیاسی است به‌عنوان یک نهضت بزرگ دینی یادکردن بدیع است و بیان می‌کند که چطور این نهضت بزرگ دینی در معرکه‌ای از بی‌دینی‌ها اتفاق می‌افتد، یعنی در میانه معرکه ایدئولوژی‌های چپ و راست، یعنی در معرکه نزاع یا هم‌اوردطلبی ایدئولوژی سوسیالیسم، مارکسیسم و راست لیبرالیسم، کاپیتالیسم یک‌دفعه نهضتی به نام دین اتفاق می‌افتد. این هم به لحاظ خرد پدیده بدیعی است که از انقلاب اسلامی به نهضت بزرگ دینی یاد می‌کند که به تعبیر بنده میان ایدئولوژی‌های چپ و راست شکل می‌گیرد و می‌ماند. به هر حال یکی از مباحث مهم انقلاب اسلامی این بود. انقلاب اسلامی زمانی در ایران پیروز شد که پدیده انقلاب پشت قباله چپ‌ها (مارکسیست‌ها) بود و هیچ‌کس در دنیا انقلاب نمی‌کرد مگر اینکه چپ باشد. ایدئولوژی چپ موتور انقلاب بود. یکی از علل اینکه مجاهدین خلق، منافق خلق شدند، همین

بود. آیه «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما» را انتخاب کردند ولی تغییر ایدئولوژی دادند (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۳۸۳).

اضافه کردن شعارهای جدید به شعارهای انقلاب اسلامی

نکته بعدی، که رهبر انقلاب شعارهای انقلاب را در اینجا گسترش می‌دهند به تعبیری ضرب در دو می‌کنند؛ به عبارتی شعارهای انقلاب یا چهار شعار اصلی انقلاب، که بر چهار خواسته اصلی و بنیادین مردم ایران در سال ۵۷ مبتنی بود، مورد تأکید قرار می‌دهند و هم بر آن چهار مورد دیگر اضافه می‌کنند که به لحاظ تخصصی جالب بود. آن چهار موردی، که مردم ایران برای آن در سال ۵۷ انقلاب کردند، استقلال، آزادی، عدالت و معنویت بود. ایشان در واقع چهار بحث جدید را به آن اضافه می‌کنند که عبارت است از اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری. این به لحاظ خرد و فنی و تخصصی جالب بود که از این هشت مورد به عنوان شعارهای انقلاب یاد می‌کنند. استقلال، آزادی، عدالت، معنویت، اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری و جالب اینکه از آن به عنوان شعارهای جهانی و ارزشهای دینی انقلاب یاد می‌کنند؛ یعنی اینکه اگر با زبان امروزی تر بخواهیم صحبت کنیم، چنین می‌شود که گروه‌های سیاسی داخل کشور اگر قرار است به انقلاب اسلامی وفادار بمانند و انقلاب اسلامی بماند، باید کاری کنند و کاری کنیم که جامعه‌ای شکل دهیم که در آن استقلال در کنار آزادی و آزادی در کنار عدالت و عدالت در کنار معنویت و معنویت در کنار اخلاق و اخلاق در کنار عزت و عزت در کنار عقلانیت و عقلانیت در کنار برادری باشد. جامعه باید بر این هشت مورد مبتنی باشد که از آن به عنوان شعارهای جهانی انقلاب یاد می‌شود؛ یعنی اینها ارزشهای دینی برخاسته از دین اسلام و ارائه شده توسط انقلاب اسلامی است که جهان هم آن را مطالبه می‌کند.

انقلابی ماندن

در رویکرد خرد در این بیانیه، نظریه نظام انقلابی یا به تعبیری نظریه انقلاب دائم است. در انقلابها ادبیاتی وجود دارد که می‌گوید انقلابیون دو دسته می‌شوند. عده‌ای انقلاب‌گرایان دائم یا طرفداران انقلاب دائم می‌شوند؛ یعنی انقلابی عمل کردن دائم. یک عده هم معتقدند انقلابی بودن برای فصلی است و وقتی انقلاب پیروز شد، انقلابی عمل کردن ممکن نیست؛ به طور مثال پمپئو و گروه جدید امریکایی یکی از اخطارهایی که به ایران دادند، این بود که

ایران باید بین انقلابی‌بودن و نظام سیاسی‌بودن یکی را انتخاب کند. این را مطرح کردند که نمی‌شود دائماً انقلابی بود. مقام معظم رهبری از جمله کسانی هستند که بر انقلاب دائم تأکید دارند و این را در این جمله می‌گویند که انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند. ایشان طرفدار این موضوع است و در اینجا به صورت شفاف مطرح و تأکید می‌کنند.

ایجاد تمدن نوین اسلامی

ایشان در این بیانیه به صورت شفاف آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می‌کنند؛ به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می‌کنند. تمدن نوین اسلامی در جمله رهبر انقلاب با این تعبیر آمده است: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید».

تأکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب اسلامی

تأکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب اسلامی است و به همین دلیل چون انقلاب اسلامی بدیع و نو است، بسیار ارزشمند است و تمام آن چیزی که به دست آورده نیز ارزشمند است. این‌گونه استدلال می‌شود که بدیع و نوآورانه بودن انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن از نقطه صفر شروع شده؛ چرا؟ چون اولاً همه چیز علیه ما بود و ثانیاً هیچ تجربه پیشین و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت.

بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل

رهبری در واقع بر بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل تأکید، و این بازتاب را در دو حوزه بیان می‌کنند:

۱. انقلاب اسلامی جهان دوقطبی را سه‌قطبی کرد؛ یعنی جهان شرق به رهبری شوروی با ایدئولوژی سوسیالیسم - مارکسیسم و غرب به رهبری امریکا با ایدئولوژی لیبرالیسم - کاپیتالیسم و قطب جدیدی شکل گرفت به نام قطب تفکر و جهان اسلام.

۲. بعد از فروپاشی شوروی جهان درحالی که چندقطبی شده، انقلاب اسلامی دوگانه اسلام و استکبار را زنده نگه داشته و دو جبهه را شکل داده؛ یک (جبهه مقاومت) دو (جبهه سلطه)

اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»

رهبری از «ما می‌توانیم» به‌عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران یاد می‌کند. ایشان می‌فرمایند که مدیریتهای جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید. می‌گویند مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی همین «ما می‌توانیم» است. علت آن نیز این است. وقتی قرار شد نفت ایران ملی شود نخست‌وزیر وقت رزم‌آرا در مقام مخالف ملی‌شدن صنعت نفت صحبت کرد.

تأکید بر دستاوردهای انقلاب اسلامی

یکی از مهمترین بخشهای بیانیه این قسمت است که دستاوردهای انقلاب چه بوده است و در انتها هم مشخص شده چه باید بکنیم. انقلاب اسلامی در این ۴۰ سال چه به‌دست آورده و در ۴۰ سال آینده چه باید بکنیم. علاوه بر این موارد، که از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است به پنج واقعیت نیز باید اشاره کرد که عبارت است از: ۱. حکومت مردمی و مردم‌سالاری ۲. اراده ملی ۳. میدان‌داری جوانان ۴. روحیه و باور «ما می‌توانیم» ۵. تحریم دشمنان که حضرت آقا می‌فرمایند تحریم دشمنان باعث اتکا به دستاورد داخلی شد. در مجموع و به‌صورت کلی هفت دستاورد انقلاب اسلامی در ۴۰ سال گذشته عبارت است از:

۱. ضمانت ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها و معجزه پیروزی در جنگ هشت‌ساله
۲. پیشرفت شگرف در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساختهای حیاتی و اقتصادی و عمرانی در حالی که ایران پیش از انقلاب در تولید علم و فناوری صفر بود. در صنعت بجز مونتاژ و در علم بجز ترجمه هنری نداشت.
۳. به اوج رسانیدن مشارکت مردمی در کارهای سیاسی مثل انتخابات و مقابله با فتنه‌های

- داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی
۴. ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی
۵. سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور. جمهوری اسلامی در شمار موفقترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است.
۶. افزایش دادن چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه. مصداق‌هایی که بیان می‌کند بسیار جالب است، مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس و روحیه برادری و ایثار که واقعا در آنجا بود. که چطور عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه بالا رفت. الآن هم خانواده‌های مدافعان حرم را می‌بینید، باز هم همین احساس را دارند.
۷. برجسته‌تر شدن روزه‌روز نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر مستکبران جهان در رأس آن امریکای جهانخوار؛ این هم به‌عنوان دستاورد دیگری است که برای مردم ایران افتخار آفریده است.

پیشینه پژوهش

مدیریت جهادی که با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی پایه‌ریزی شد در دهه کنونی با توجه به وضعیت سیاسی، علمی و... به تقویت و بکارگیری در کل جامعه نیاز شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد شاخصهای فرماندهی و مدیریت جهادی از دیدگاه مقام معظم رهبری در سه بعد ویژگیهای آینده‌نگری، صداقت و روراستی، داشتن اهداف الهی، امید به پیروزی، کنترل هوای نفس در راستای مقابله با دشمنان، توجه به همه جوانب، امید به آینده، خطرپذیری، ایثار، هوشیاری و مسئولیت‌پذیری، کارافرینی، تولید علم، ابتکار و نوآوری، مبارزه با نفس، مبارزه با ظالمان و ستمگران، ترسیم و تبیین آینده و چشم‌انداز، از بین بردن موانع، قاطعیت و سختگیری، ایجاد اتحاد، وحدت و هماهنگی، دعوت و تشویق به جهاد، آمادگی کامل، انجام امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فتنه‌گران، مبارزه با تروریسم، مبارزه با فساد، داشتن تدبیر و تلاش مستمر و بی‌وقفه، افزایش امنیت و اقتدار ملی، افزایش شأن کارکنان، استقلال و آزادی، آرامش زندگی و سعادت بشر، آبادانی و عمران، ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح، تقرب به پروردگار،

پیروزی بر دشمنان، افزایش عزت ملت ایران، اعتلای اسلام، تحقق عدالت، نجات مستضعفان و پیشرفت جامعه است؛ ضمن اینکه یکی از مهمترین سازمانها و نهادهایی که نقش مهم و تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کند، دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی و پژوهشی است. در این میان فناوری اطلاعات بیشترین تأثیر را بر قشر تحصیل‌کرده، ماهر و علاقه‌مند به موفقیت دارد. از آنجاکه افراد تحصیل‌کرده، ماهر و علاقه‌مند به موفقیت در موقعیت‌های مهم سلسله‌مراتب سازمانی مشغول به کارند، اثر بیشتری را بر موفقیت همه‌جانبه دارند.

وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام کسانی را لغزاند؛ پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم، که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست. یکی از الزامات اجرای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی استقرار سامانه مدیریت عملکرد است که هم موجب تحقق عدالت خواهد شد و هم زمینه‌ساز پیشرفت و توسعه کشور خواهد بود.

مروری بر ادبیات

- باور عمیق به انقلاب و انقلابیگری به‌مثابه مشی و منش

باور عمیق به انقلاب و انقلابیگری به‌مثابه مشی و منش است. اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ ۴۰ ساله نمی‌بود، بی‌شک دستاوردها بیشتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نداشت.

- کارنامه درخشان ۴۰ ساله انقلاب اسلامی (داخلی و خارجی)

انقلاب از لحاظ داخلی، ایران را به کشور پیشرفته تبدیل کرده و از لحاظ خارجی ایران قدرت منطقه‌ای شده است. آنچه در ایران در ۴۰ سال از لحاظ داخلی اتفاق افتاد، ایران را به کشوری پیشرفته تبدیل کرد و آنچه در خارج در منطقه اتفاق افتاده ایران را به قدرت منطقه‌ای تبدیل کرده است.

- امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

توصیه‌های هفتگانه به جوانان برای آینده با چاشنی امید و نگاه خوش‌بینانه به آن، دوری‌جستن و برحذر داشتن همزمان از امید کاذب و ترس کاذب، اصل قرار دادن اینکه ترس

و ناامیدی را از خود دور برانند، نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما جوانان است. تحلیل رهبری از مهمترین سنگ جلوی جوانان این ترس و ناامیدی است. دشمن به دنبال مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. با این چاشنی در هفت حوزه توصیه می‌کنند:

۱. علم و پژوهش: ایشان یک رهبر مذهبی است. اولین توصیه ایشان به جوانان برای ساختن آینده علم و پژوهش است. گفتم انقلاب اسلامی به‌صورت اتوماتیک تضاد بین علم و دین را از بین برده و جالب است که دومین عملکرد انقلاب اسلامی که از آن دفاع می‌کند در حوزه علم و فناوری است. عبارتی که به کار می‌برد، چیست؟ دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است.

۲. معنویت و اخلاق: چیزهای جالبی که در این بیانیه است، تعریف کردن برخی مفاهیم است؛ از جمله تعریف معنویت و اخلاق. جلوتر می‌رویم تعریف آزادی و استقلال است. تعاریف بدیع و جالبی دارد. معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل اخلاص، ایمان و توکل در خود و در جامعه. اخلاق نیز به معنی رعایت فضیلت‌هایی مثل خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. اینجا ایشان به‌مثابه رهبر انقلاب وقتی از اخلاق صحبت می‌کنند؛ یعنی توصیه می‌کنند ملت ایران اگر می‌خواهد به جایی برسد باید خیرخواهی، گذشت و کمک به نیازمند و شجاعت داشته باشید و معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بعد اشاره می‌کنند محیط زندگی راحت با کمبودهای مادی بهشت می‌سازد و نبودن آنها جهنم می‌آفریند و جمله جالب‌تر اینکه می‌گویند این دو عامل اخلاق و معنویت بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهند داشت؛ چرا؟ چون اخلاق و معنویت با دستور و فرمان به‌دست نمی‌آید؛ پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند؛ خب راه حل چیست؟

اولا خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند. ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند و با

کانون ضد معنویت و اخلاق به شیوه معقول بستیزند.

۳. اقتصاد: عبارتهای جالبی است. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست؛ اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد؛ لذا به دلیل همین اقتصاد می‌تواند تأثیر شگرفی بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

۴. عدالت و مبارزه با فساد: چهارمین نکته‌ای که برای آینده جوانان توصیه می‌کنند، عدالت و مبارزه با فساد است. دقیقاً براساس تجربیات ۴۰ ساله بیان می‌کنند. این دو لازم و ملزوم یکدیگر و دو روی یک سکه‌اند. وسوسه مال، مقام و ریاست حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ حضرت علی (ع) کسانی را لرزاند، چون گاهی گفته می‌شود این همه دم‌زدن از حضرت علی (ع) این همه آدم فاسد!

۵. استقلال و آزادی: استقلال به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای جهان است. این تعریف بسیار بدیع، و تعریف بسیار جالبی است. استقلال را با آزادی تعریف می‌کنند ولی نه آزادی فرد. آزادی نیز به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است. جالب‌تر از اینها گفتم مانیفست اسلامگرایی است؛ یعنی به عنوان شاخصترین رهبر اسلام‌گرای جهان می‌خواهند بگویند که من به استقلال و آزادی این‌گونه معتقد هستم که این دو از جمله ارزش‌های جامعه اسلامی و عطیه الهی به انسانها هستند و هیچ‌کدام تفضل حکومتها به مردم نیستند.

۶. عزت ملی و مرزبندی با دشمن و روابط خارجی: رهبر انقلاب توصیه می‌کنند که در ۴۰ سال آینده باید روابط خارجی را براساس عزت، حکمت و مصلحت بنا نهاد و باتوجه به این اصول می‌گویند باید در روابط خارجی، عزت ملی و مرزبندی با دشمن را مبتنی بر اصل عزت، حکمت و مصلحت پیش برد. ایران الآن رهبر نهضت بیداری اسلامی و در منطقه قدرتمندترین کشور است. می‌گویند اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. برخی که کلاسیک صحبت می‌کنند، می‌گویند مدیران و رهبران کشور باید تلفیقی از شیران و روباهان باشند، نه شیر صرف و نه روباه صرف. در مسئله سوریه بحث مدیریت جهادی با شجاعت و

حکمت همراه بود و وقتی ورق برگشت؛ یعنی وقتی ۸۰ درصد خاک سوریه از دست رفته بود و تکفیری‌ها مسلط شده بودند، جمهوری اسلامی وارد شد و بعد از مدتی با تدبیر جمهوری اسلامی و ائتلاف با ترکیه و روسیه بتدریج اتفاقات داخل سوریه برگشت. الآن اگر ما قدرتی هستیم که پمپئو با قدرت زیاد خود دوازده شرط می‌گذارد و الآن می‌گوید که بیاید بدون شرط مذاکره کنیم، نه به دلیل اینکه آنها در آنجا اراده کرده بودند در بوکمال بایستند و ما بگوییم اینها آمدند، ما دیگر برویم، نه. نیرو بسیج کردیم؛ ماه‌ها وقت گذاشتیم و امکانات ایجاد کردیم و شجاعت به خرج دادیم؛ نقشه جنگی کشیدیم و عمل کرد و شهید هم داد ولی به هدف هم رسید. ایشان می‌فرمایند اینها بخشی از عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد.

۷. سبک زندگی: می‌فرمایند تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیانهای بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است. یکی از مهمترین چالشهای جمهوری اسلامی ایران، دوگانه تجدد و سنت است. ایشان هم به‌گونه دیگری تعبیر می‌کنند. از زمانی که تجدد در ایران راه پیدا کرد، یکی از سوگیرها و هدفگیرهای سستهای دینی بوده است که یک مقابله‌ای را ایجاد کرد بین تجددگرایان و سنت‌گرایان خصوصاً دین‌گرایان.

سبک زندگی صحیح

طرح «سبک زندگی» به‌عنوان توصیه مهم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب، تفاوت محسوسی با دیگر توصیه‌ها داشت و آن اینکه شرحی مفصلی مانند بندهای قبل ارائه نشد و تنها به خطر و زیانهای ناشی از ترویج سبک زندگی غربی و لزوم مقابله جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه با آن پرداختند. ایشان تشریح این توصیه را به دلیل اینکه سخن لازم در این باره بسیار است به فرصت دیگری موکول کرده‌اند؛ از این رو به نظر می‌رسد بحث و تبادل نظر درباره این آسیب‌شناسی، باید اولویت پیدا کند و شروع بحثهای مفید در این باره، بهتر است با بررسی مباحث مربوط به سبک زندگی اسلامی ایرانی در اندیشه و بیانات رهبر انقلاب اسلامی باشد.

سبک زندگی صحیح؛ عامل تداوم انقلاب

قبل از انقلاب اسلامی، تمرکز اصلی آیت‌الله خامنه‌ای بر «تجدید انقلاب اسلامی» پیامبراسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و تلاش علمی و عملی برای برانگیختن آگاهانه مردم در جهت تحقق همین اصل بوده است (امام خامنه‌ای، ۱۳۵۱: ۲۶۹-۲۷۲). وقوع انقلاب اسلامی ایران، طرح اساسی ایشان با توجه به عبرت‌های تاریخ اسلام و وقایع رخ داده برای انقلاب اسلامی پیامبراسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام بر «تداوم انقلاب» به‌عنوان مهمترین مسئولیت پس از انقلاب تمرکز یافت. انقلاب اسلامی در ساحت ایجاد خود، هم‌چنانکه از اسلام منشأ یافته است در عین حال به مردم متکی بوده و از آنجا که عامل بقای آن همان عامل ایجادکننده آن خواهد بود (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸) برخوردار می‌باشد. مردم از سبک زندگی دینی و رواج ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه به‌گونه‌ای که ارزش‌های اصلی جامعه به‌شمار می‌رود، یکی از ارکان تداوم انقلاب اسلامی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸). در این میان، سبک زندگی در ارتباط با جوانان از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ چه اینکه «پیشران حرکت انقلاب»، جوانها هستند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵). همت‌گماشتن آیت‌الله خامنه‌ای قبل و حتی بعد از انقلاب اسلامی به تربیت نسل‌های نوجوان و جوان با تکیه بر قرآن کریم، نشان می‌دهد ایشان از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی به آینده انقلاب و تداوم آن می‌اندیشیدند.

بیته؛ حجت ورود به وادی دینداری

در اندیشه رهبر انقلاب، ورود به وادی دینداری از طریق «معرفت ایمانی» امکان‌پذیر و کفایت‌کننده است؛ بلکه این نوع معرفت از «معرفت استدلالی» کاراتر و برانگیزاننده‌تر به عمل هم هست (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶). به همین دلیل وقتی که ابوذر مسلمان شد، پیامبر اسلام نرفته بود برهان نظم و برهان خلف و برهان علت اولی را برای او بیان کند و بگوید به این دلیل خدایی هست و خدا یکی است و این بتها خدا نیستند. نخیر؛ با آن بیان پُر جاذبه خودش، ایمانی را در دل ابوذر انداخته بود. می‌دانید، آن بیانی که بر اثر نورانیت ایمان در دل انسان به‌وجود می‌آید، چقدر ارزشمند است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶). تحقق چنین معرفت ایمانی که ظرف آن دل انسان است (امام خامنه‌ای، ۱۳۵۳: ۱۰۳)، می‌تواند از راه‌های مختلفی صورت بگیرد؛ یعنی «چه آن را پدر و مادر به انسان بدهند، چه یک بزرگتر دیگر، چه یک حادثه که گاهی آن ایمان

ناب را به انسان می‌بخشد» در هر صورت، آن (معرفت ایمانی) برای انسان، خیلی بیشتر به‌کار می‌آید تا آن استدلالها. البته اهمیت و کارکرد معرفت استدلالی نفی نمی‌شود. معرفت استدلالی به‌لحاظ استحکام ایمان و مقابله با شبهات و وسوسه‌ها و خاصیت تردیدزدایش هم لازم است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶). دقت در قرآن کریم، همین معنا را تأیید می‌کند. در فرهنگ قرآن به‌موجب آیات متعدد از جمله آیه «إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال / ۴۲) اگر منظور از هلاکت و حیات یافتن را همان گراییدن به کفر و پذیرش ایمان بدانیم (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۶۵)، آنچه در پذیرش دین و ورود به وادی دینداری معیار و حجت است، «بیّنه» است.

بیّنه به‌معنای دلالت و راهنمایی آشکار است. هر آنچه موجب آشکارشدن حق از باطل گردد و به‌وسیله آن بتوان به‌آسانی و بدون مشقت به حق آگاهی پیدا کرد، بیّنه نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۳۲، ج ۷: ۱۱۴). این بیّنه به برهانهای مشهور کلامی و فلسفی منحصر نیست. مشاهده یک کرامت و اعجاز اولیای الهی (طه / ۲۲) یا دریافت فطری (روم/ ۳۰) یا مشاهده حادثه غلبه غیر عادی سپاه اسلام بر سپاه دشمن (انفال / ۴۲) و یا حتی مشاهده تحقق وعده‌ای از وعده‌های الهی (احزاب / ۲۲) نیز مصداقهای بیّنه است. بر این اساس اصل تحقق انقلاب اسلامی یا پیروزی در هشت سال دفاع مقدس، خود مصادیق و مظاهری از بیّنات الهی است.

دلالت سبک زندگی بر نوع رفتارها

عبارت سبک زندگی را باید اخصّ از زندگی دید. با دقت در معنای واژه «سبک»، می‌توان مراد از سبک زندگی را دقیقتر یافت. سبک مترادف واژه «سیره» بر وزن «فعلّه» در زبان عرب است (اصفهان‌ی، ۱۳۶۳: ۳۰۴). در این وزن، واژه نه بر نفس عمل که بر نوع عمل دلالت دارد و اهل لغت آن را همان طریقه، هیئت، رفتار و روش و حالتی دانسته‌اند که انسان و غیر انسان بر آن حالت باشند (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۴۷). شهید مطهری نیز «سیره» را نوع و سبک رفتار دانسته است (مطهری، ۱۳۴۶: ۴۵). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آنجا که سخن از سبک زندگی به میان آورده‌اند، هم ردیف آن عبارات «روش زندگی» و «عادات زندگی» را نیز به‌کار برده‌اند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴) که می‌تواند از دلالت سبک زندگی بر رفتارهایی حکایت کند که به

عادت فرد یا جامعه تبدیل شده است. از آنجا که در توضیح سبک زندگی از عبارت «چگونگی مشی زندگی» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵) استفاده کرده‌اند، استفاده می‌شود که اساساً سبک زندگی، نه بر نفس عمل و رفتار، بلکه بر کیفیت، شیوه و چگونگی رفتارها دلالت می‌کند. بر این اساس در سبک زندگی، چگونگی آن دسته از رفتارهای فردی و اجتماعی مورد نظر است که برای انسان به عادت یا حالت پایا تبدیل شده، و از نوعی تداوم برخوردار باشد.

اثر قطعی سبک زندگی بر تلقیات و تعلقات

یکی از اصول تربیتی در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای، اصل تأثیر متقابل رفتارها، باورها و گرایشها است. بر این اساس، تعلقات و تلقیات انسان از رفتارهای خوب و بد او اثر می‌پذیرد. «کار اگر بد باشد، روی دل ما اثر می‌گذارد؛ روی اخلاق ما اثر می‌گذارد؛ گاهی روی برداشتها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد. دل‌بستگی که پیدا می‌کنیم، این دل‌بستگی روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد» (رهبر انقلاب: ۳ تیرماه ۱۳۸۸). در باب عمل خوب هم همین اصل وجود دارد؛ چنان‌که ایمان انسان را می‌کشاند و به عمل صالح دلالت می‌کند... عمل صالح هم انسان را به ایمان دلالت می‌کند؛ یعنی یک تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳). این اصل ما را به یک راهبرد مهم می‌رساند و آن اینکه اصلاح و تغییر تمایلات و اندیشه‌ها می‌تواند به واسطه همین رفتارهای ظاهری صورت بگیرد؛ پس باید مراقب عمل جامعه و سبک زندگی جامعه بود. تأثیر عمل بر باور، قطعی و اجتناب‌ناپذیر است. عمل بد، به تغییر باورها منتهی می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰). البته در منظومه فکری معظم‌له، آنچه می‌تواند «ماده خام» وجود انسان را به «شکلهای برتر» تبدیل بکند، استمرار عمل است (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۳۸۳) و همین استمرار عمل است که می‌تواند ادراک و آگاهی را به ایمان تبدیل کند که همان باور قلبی است (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۸). در منطق قرآن نیز عمل بد می‌تواند باور را ایجاد، متأثر و حتی متحول نماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤُنَ» (روم / ۱۰). همین اصل در سبک زندگی نیز جاری است. در سبک زندگی دینی، تداوم عمل با معرفت دینی همراه است «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...» (فاطر / ۱۰) در این آیه، منظور از کلام طیب همان عقاید حق است. علامه طباطبایی با عنایت به عبارت «الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»، مرجع ضمیر در (یرفعه) را عقاید حق می‌داند و معتقد

است به میزانی که عمل مکرر شود، اعتقاد راسختر، روشنتر و در تأثیرش قویتر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۳۲: ۲۳). این اساس، سبک زندگی راهبردی برای تغییر نگرشها و باورها است.

راهبرد مروّجان سبک زندگی غربی

خطر ترویج سبک زندگی غربی در توصیه هفتم از بیانیه گام دوم انقلاب گوشزد شد. آیت‌الله خامنه‌ای قبلاً تصریح کرده بودند که عده‌ای در داخل کشور درصدد ترویج اخلاق و سبک زندگی غربی با هدف به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی هستند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶). مروّجان سبک زندگی غربی تحت عناوینی چون «تحول شخصیت ایرانی» به هدف خود تصریح کرده‌اند. آنها با هدف پیوستن به جهانی شدن به عنوان فرایند غربی - امریکایی درصدد اصلاح حاکمیت ایران و تغییر مسیر انقلاب هستند. معتقدند راه اصلاح حاکمیت از تغییر باورها و تغییر باورها از طریق تغییر سبک زندگی و مطابقت نظم رفتاری مردم با نظم غربی می‌گذرد. در این صورت خواست مردم با خواست انقلاب متفاوت می‌شود و در نتیجه انقلاب اسلامی تابع خواست جامعه تغییر مسیر خواهد داد. واقعیت این است که دشمن فهمیده که راه اثرگذاری بر باورهای مردم، تغییر نظم رفتاری ظاهری و به اصطلاح تغییر سبک زندگی است. تدوین اسناد بین‌المللی همچون سند آموزش ۲۰۳۰ و تولیدات و تبلیغات بسیار رسانه‌ای را می‌توان در همین چهارچوب تحلیل کرد.

راهبرد جریان فرهنگی انقلاب اسلامی

هم‌چنانکه در سطور پیشین بیان شد، دشمن، راهبرد خود را بر تغییر سبک زندگی با هدف تغییر باورها متمرکز کرده است. این راهبرد البته از پشتوانه نظری برخوردار است و آن اینکه «واقعیت‌های زندگی در فکر انسان اثر می‌گذارد. رفتار روزانه در دل و روح انسان اثر می‌گذارد - هم روح خود انسان، هم روح مخاطبان و معاشران انسان - اینها می‌خواهند این (سبک زندگی) را تغییر بدهند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴). راه مقابله با این تهاجم نیز از ترویج سبک زندگی دینی و تعمیق و گسترش آن در متن جامعه می‌گذرد. علمای دینی در حوزه تربیت نیز بر همین شیوه تأکید دارند. انسان موجودی است که نیازمند تربیت عقل، نفس، قلب و آداب ظاهری خود است. در این میان انسان اگر بخواهد عقل و نفس خود را تربیت کند، ابتدا باید از ادب ظاهری شروع کند. ادب ظاهری، اثر تربیتی خود را در نفس و قلب انسان خواهد گذاشت (تهرانی،

۱۳۹۴:۷۷)؛ هم‌چنانکه رهبر انقلاب در توصیه هفتم بیانیه هم تأکید کردند و قبلاً در دیدار دانشجویان هم خطاب به جوانان دانشجو گفته بودند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶). مسئولیت اصلی این جهاد برعهده جوانان است. جوانان به‌مثابه پیشران حرکت انقلاب، اگر خود به رعایت سبک زندگی دینی ملتزم باشند، جامعه را هم دنبال خود حرکت خواهند داد. تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر مظاهر دینی در میان جوانان همچون اعتکاف، رونق‌یافتن فضاهای دینی، اردوهای جهادی، صحنه‌های عبادت، پیاده‌رویهای زیارت اربعین و... اهمیت همین مطلب را می‌رساند.

نتیجه‌گیری

برخورد ما با بیانیه گام دوم باید برخورد با صحبت‌های نظریه‌پرداز و فیلسوفی سیاسی باشد و از این زاویه بیانیه را تحلیل کنیم. وقتی کلمه مانیفست را استفاده می‌کنیم، نگاه ما به رهبر انقلاب بیشتر به‌عنوان رهبر حزب و جریان سیاسی قلمداد می‌شود؛ این در حالی است که رهبری در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی جایگاه بالاتری از این مسئله دارد و نباید جایگاه رهبری را کاهش داد. نگاه تقلیدی برای تبیین بیانیه مناسب نیست، بلکه باید اندیشه‌های مختلف را ارائه و از بیانیه و چارچوب آن، پاسخ‌های مدنظر را استخراج کنیم. در این صورت بیانیه می‌تواند به نگاه خلاق تمدنی و گام دوم در مسیر انقلاب اسلامی تبدیل شود. تمدن اول، تمدن گذشته اسلامی است که در قرون اولیه ظهور اسلام متجلی بود. تمدن دیگری که این بیانیه با آن روبه‌رو است، تمدن گذشته شیعی ما ایرانیها است که در صفویه متبلور شده است. تمدن غرب هم از جمله تمدنهایی است که ما با آن روبه‌رو هستیم و نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. بیانیه گام دوم با این چهار تمدن روبه‌رو است و نسبت‌های مختلفی با این تمدن‌ها دارد و نیازمند این است که تمدن‌های رقیب را نقد و تحلیل و بررسی کند و با تمدن‌های همسو، نزدیک و ارتباط خود را افزایش دهد. بحث اول جمع بندی افتخارآمیز گذشته است. رهبری در این بخش با توجه به دشمنی‌هایی که صورت می‌گیرد و برخی جریانها تلاش می‌کنند، عملکرد نظام را در چهل سال گذشته سیاه و غیر درخشان جلوه دهند به بیان دستاوردها در کنار اشاره به ضعفها پرداخته و نشان داده‌اند حرکت نظام، حرکت موفق بوده است. در بخش دوم بیانیه، رهبری نگاه به آینده دارند و با برشمردن ظرفیتهای نظام و کشور سخن از امید دارند و بیان می‌کنند که این امیدواری

مبتنی بر توهم و از روی ندیدن واقعیت‌ها نیست، بلکه حتی با دیدن ضعفها، توانمندیها به قدری برجسته است که باید به گام دوم انقلاب امیدوار بود. رهبری در مقابل جریانهای مختلفی که تلاش می‌کنند چهل سال گذشته را سیاه و پر از ضعف نشان دهند تا بتوانند مردم را نسبت به آینده نظام ناامید کنند، نگاه واقع‌بینانه‌ای ارائه می‌کنند تا مانع ایجاد این یأس در جامعه شوند؛ به‌عنوان مثال رهبری از تشدید معنویت و اخلاق در این بیانیه صحبت می‌کنند؛ این در حالی است که برخی جریانها به‌طور مرتب خلاف این مسئله را به جامعه پمپاژ می‌کنند. اگر انقلاب اسلامی مفاهیمی مانند استقلال، خودباوری، اراده ملی و... را بتواند درونی کند، این ظرفیت را دارد که تمدن غرب را به چالش بکشد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن کریم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۱)، دو امام مجاهد، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: انتشارات صهبا.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴ بهمن ۱۳۷۶)، بیانات، درگفت و شنود با جمعی از جوانان و نوجوانان.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴ دیماه ۱۳۹۴)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۲۳ مهرماه ۱۳۹۱)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۵ مهرماه ۱۳۹۵)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۲۰ آبان ۱۳۸۳)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (خرداد ۱۳۹۰)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۲۹ دیماه ۱۳۸۸)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۲۶ مهرماه ۱۳۶۸)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۳ آذرماه ۱۳۹۵)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۷ خرداد ۱۳۹۶)، بیانات.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴ دیماه ۱۳۹۴)، بیانات.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۴)، ادب الهی (تربیت مربی)، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶)، منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۳۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، تهران: مؤسسه البعثه.
مطهری، مرتضی (۱۳۴۶)، سیری در سیره نبوی، تهران: مؤسسه حسینیه ارشاد.
مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۷۷)، من هدی القرآن، ج ۴، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
راغب اصفهانی الحسین، ابی القاسم، (۱۳۶۲)، مفردات ألفاظ القرآن، تهران: سازمان دارالقرآن کریم.



The Drivers of the Islamic Revolution in Ayatollah Khamenei's Thinking, Emphasizing on the Second Step Declaration

Sayyed Mohammad Moosavi *

The Great Islamic Revolution of Iran celebrated the 40th anniversary of its victory while crossing the threshold of the fifth decade of its history. While its arrogant enemies made false assumptions about the revolution, its friends all over the world felt proud of its overcoming the challenges and making astonishing progresses. At such a turning point, the intelligent leader of the Islamic Revolution issued a “Declaration of the Second Step of the Revolution” to pursue this pure path, explaining the outstanding achievements of the last four decades, and giving basic recommendations for “a great Jihad to build a great Islamic Iran.” The “Declaration of the Second Step of the Revolution” is a renewed message addressing the Iranians, especially the youth, serving as a charter for the “second stage of self-construction, socialization and civilization” and marking a “new era in the history of the Islamic Republic.” This second step will make the revolution arrive at a closer distance to its great ideal, which is the creation of a new Islamic civilization and paving the way for the emergence of the Greatest Velayat.

Keywords: *Ayatollah Khamenei, the Islamic Revolution, Declaration of the Second Step of the Revolution*

* Associate professor of political science, Payam Noor University, Tehran, Iran